



خانم محترم! اینقدر فیلم تخیلی نبین!

* «ادعای یک زن کوییتی: «برای سرنگونی بشار

اسد فرمانده لشکر جنیان را اجیر کرده‌ام!»

ما هم در جواب ادعای این عجب زه خانم که احتمالا یک کلاه بوقی بلند و مشکی روی سرش می‌گذارد و سوار جاری دست بلند می‌شود؛ می‌گوییم: «اولا که به قول خود شما عرب‌ها، «الغریق یتشبت بکل حشیش» یعنی، انسان غریق برای نجات خودش حتی به خار و خاشاک روی آب هم جنگ می‌اندازد تا بلکه نجات پیدا کند.

دوما: این ادعا چنان هم پر بی‌راه نیست. چرا که رفتار شورشیان در این مدت نشان داده نه تنها بویی از انسانیت نبرده‌اند بلکه ممکن است از سوی جنیان شرور و شیاطین، نمایندگی فعال گرفته باشند که ادعای ایشان نشان داد همین طور هم است. آخر کدام انسان، هر چند هم کینه کسی را در دل داشته باشد، می‌تواند قلب انسان دیگری را به دندان بکشد یا قبور گذشتگان را بشکافد و بدن‌هایشان را بیرون بیاورد و از این قبیل کارها؟!

پس معلوم شد این رفتار وحشیانه غیر از فتاوی عجیب مفتیان سلفی و وهابی و حمایت برخی کشورها و جریان‌ها از کجا آب می‌خورد.

سوما: به این عجزه خانم باید بگوییم اگر خیلی بیل زن بود؛ چند سال پیش که صدام به کشورش حمله کرد و دولتش به هر کس و ناکسی متوسل شد تا از شر صدام نجاتش دهند باید به کاری می‌کرد که نکرد. مگر آن روزها یادش رفته یا شاید هم خیلی بچه‌تر از آن باشد که آن روزها را به خاطر بیاورد.

چهارم: این که این خانوم به کارش ادامه بدهد تا ببینیم کار به کجا می‌کشد. آخر خیلی وقت است دل‌مان برای یک فیلم تخیلی درجه یک تنگ شده است. مُردیم از بس فیلم درام دیدیم.

پنجم این که؛ عجزه خانم محترم! برای معروف شدن راه‌های دیگری هم وجود دارد. لذا به شما پیشنهاد می‌شود برای بسط و گسترش فرهنگ اصیل! شعبده‌بازی و جادوگری، بخت‌تان را در عروسی‌ها و جشن‌ها امتحان کنید که الان مشتری زیاد دارد.

بگو خُب!

* «چرا سریال‌های تلویزیونی ماه مبارک در

رمضان اتفاق نمی‌افتند؟!»

با این که سریال‌های ماه رمضان یکی از پر بیننده‌ترین برنامه‌های رسانه ملی محسوب می‌شود و از اقبال خوب بینندگان و بعضا ساختار خوب و جذابی هم بهره‌مندند، اما نمی‌دانم چرا از نظر زمانی، هیچ کدام در ماه رمضان اتفاق نمی‌افتند. البته شاید در نگاه اول و حتی نگاه‌های بعدی! این مسئله عیب محسوب نشود، ولی شاید اگر می‌شد موضوع سریال‌ها در ماه مبارک اتفاق بیفتد، حداقل از نظر دلی! ارتباط بیشتری با مخاطب برقرار می‌کرد.

آخر آدم با دهان تشنه و شکم گرسنه بنشیند پای تلویزیون و هی چلوکباب و نوشابه خوردن دیگران را تماشا کند که می‌رود توی امپاس!

(البته منظورمان تکرار برنامه‌ها در روز است) بعدش هم آخر ماه مبارک که می‌شود تازه یکی یکی ماه رمضان سریال‌ها شروع می‌شود. این می‌شود که دل آدم یکدفعه هوری می‌ریزد پایین که نکند اشتباهی توی تقویم رخ داده و باید از اول شروع کند. خلاصه اگر با نظر ما موافقید و آنچه خواندید لوقوز نبود مثل یک مرد؛ بگویید خُب!



چه کسی روبگیریم؟!

* «اتحادیه اروپا حزب... لبنان را در

لیست تروریست‌ها قرار داد.»

قبل از این که به تحلیل این خبر بپردازیم بد نیست یک جریان بشنوید. چند وقت پیش خانه یکی از همسایگان ما را دزد زده بود. آقا دزده که لطف کرده بودند و می‌خواستند از روی در عبور کنند تا وارد عملیات‌شان بشوند، از آن بالا پایین می‌افتند و چند جایشان آسیب می‌بیند و می‌شکند.

در همین حین صاحب‌خانه، از همه جا بی‌خبر سر می‌رسد و می‌بیند یک نفر وسط حیاط خانه‌اش دارد آه و ناله می‌کند. صاحب‌خانه زنگ می‌زند به اورژانس و نیروی انتظامی و این مسائل. اما حالا چند وقتی است همسایه ما به اتهام نامعلومی می‌رود دادگاه و می‌آید. شما فکر می‌کنید به چه اتهامی؟

هر چی که هست فقط ما این را می‌دانیم که به پرداخت دیه محکوم شده، حالا برای چی خدا داند!

اما جریان «حزب...» و لیست سیاه و اتحادیه اروپا هم شده جریان همسایه ما و آقا دزده و قانون. بعضی اوقات با خودم فکر می‌کنم اتفاقات دنیا چقدر خنده‌دار است، اینطور نیست؟!

